



دستگیری جاعل گذرنامه وبرگه روادید جعلی برای اتباع افغانستانی در غرب تهران، کشف راز سرقت هشت میلیارد تومانی طلا از یک خانه و دستگیری سارق مرهقی که برای هیجان دست به سرقت باتری خودرو می‌زد، مهم‌ترین اخبار پلیس تهران در ۲۴ ساعت گذشته است.

🔴 وعده روادید قانونی، پایش گذرنامه جعلی بود

مأموران اداره گذرنامه پلیس تهران هنگام بررسی درخواست تمدید گذرنامه چند تبعه افغانستانی متوجه ایرادهایی در اطلاعات و ناهنجاری‌هایی در برخی اسناد شدند و احتمال دادند گذرنامه‌ها جعلی باشد. تحقیقات از صاحبان گذرنامه نشان داد همه آنها گذرنامه اولیه خود را از فردی ثابت در محدوده کن دریافت کرده‌اند. مأموران پس از شناسایی مکان فعالیت متهم، وارد آنجا شده و او را دستگیر کردند. در بازرسی از محل نیز تعدادی گذرنامه جعلی، برگه تمدید روادید و تجهیزات الکترونیکی جعل کشف شد. متهم در تحقیقات اعتراف کرد با تبلیغ در فضای مجازی، اتباع خارجی را با وعده ارائه تسهیلات

سرقت بچه پولدار برای تفریح

قانونی فریب می‌داده و پس از دریافت مبالغی، روادید و گذرنامه جعلی در اختیار آنها قرار می‌داده است.

🔴 حبس خانواده در حمام برای سرقت ۸ میلیاردی

چندی قبل مأموران کلانتری ۱۴۹ تهران در جریان سرقت میلیاردی از یک خانه در محدوده امامزاده حسن قرار گرفتند و با حضور در محل، تحقیقات خود را آغاز کردند.

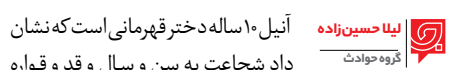
بررسی‌های اولیه نشان داد فردی با جلب اعتماد صاحبخانه، سارقی را اجیر کرده و او را برای سرقت به خانه فرستاده است. سارق نیز پس از ورود به خانه، اعضای خانواده را در حمام حبس کرده و حدود ۳۵۰ گرم طلا به ارزش هشت میلیارد تومان را سرقت و فرار کرده بود. مأموران با شناسایی هویت سارق، او را دستگیر کردند. متهم در تحقیقات اعتراف کرد دوستش نقشه سرقت

قهرمانی در میان مرگ و زندگی

دختر ۱۰ ساله پس از واژگونی قایق و سقوط مسافران به آب با خاموش کردن موتور از گسترش ابعاد حادثه جلوگیری کرد

کنارش باشد. به گفته مادر آنیل، آن روز هفت، هشت مسافر سوار قایق شدند اما حادثه‌ای ناگهانی تمام معادلات را به هم ریخت. آنیل کوچولو که شاهد حادثه است، به جام جم می‌گوید: «ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر من و پدرم همراه چند مسافر دیگر سوار قایق موتوری شدیم. یکی از مسافران مردی بود که کنار قایق نشسته بود و مدام تکان می‌خورد. پدرم به او گفت تکان نخورد، چون قایق پشت و رومی شود. آن مرد چیزی نگفت و دوباره شروع به حرکت در قایق کرد که پدرم دوباره گفت بشنین و حرکت نکن. یک دفعه قایق واژگون شد و مسافران داخل آب سقوط کردند.

همه مسافران جلیقه نجات داشتند اما من و پدرم نداشتم.» آن طور که مادر می‌گوید، در آن لحظه آنیل چون توفیق نشسته بود، پایش به میله‌ای گیر کرده و مانع از سقوط او به درون آب شده بود. مسافران در شرایطی با مرگ دست و پنجه نرم می‌کردند که



آیل ۱۰ ساله دختر قهرمانی است که نشان داد شجاعت به سن و سال و قد و قواره نیست. او چند روز پیش جان تعدادی از مسافران قایق تفریحی را که در دریاچه الندان ساری واژگون شده و در معرض خطر مرگ قرار گرفته بودند، نجات داد. درحالی که تعدادی از آنها نجات یافتند اما یکی از مسافران قایق جان خود را به دلیل‌کی که گفته می‌شود سکنه قبلی بوده از دست داد. به گفته مادر آنیل، پس از این حادثه، پدر بازداشت شده و تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

محل سوار شدن به قایق در ساحل دریاچه الندان ساری پر از مسافرانی بود که می‌خواستند لذت قایق سواری روی دریاچه راز از نزدیک بچشند، غافل از این‌که حادثه در انتظار آنان بود. قایقران ۴۱ ساله دختر ۱۰ ساله خود به نام آنیل را نیز همراهش آورده بود تا

یادداشت	
عبد الصمد خرمشاهی حقوق‌دان	

مقصر کیست؟

این حادثه از شمول قتل‌های عمدی بندهای الف و ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی خارج شده و قتل عمدی محسوب

محاکمه موبایل قاپی که در ترافیک شکار می‌کرد

دو موبایل قاپ جوان که با شناسایی زنان و مردان گرفتار در ترافیک خیابان‌های شمال تهران، گوتنی تلفن همراه آنها را با تهدید چاقو و اسبیری اشک‌آور سرقت می‌کردند، پس از دستگیری و تکمیل تحقیقات راهی دادگاه شدند و یکی از آنها دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه رفت. به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به پرونده سرقت‌های خشن از زنان و مردان در شمال تهران از تابستان سال گذشته آغاز شد. دو پسر جوان با شناسایی رانندگان و سرنشینان خودروها در محدوده الهیه و پل صدر، به آنها نزدیک شده و با تهدید، گوشی تلفن همراهشان را سرقت می‌کردند. سارقان زمانی که خودروها در ترافیک متوقف بودند، سراغ طعمه‌های خود می‌رفتند. اگر مالبایختگان در برابر سرقت مقاومت می‌کردند، با استفاده از چاقو و اسبیری اشک‌آور آنها را تهدید و پس از سرقت، خلاف جهت خودروها فرار می‌کردند.



همدستش فرار کردند. برای این‌که آنها را تعقیب نکنم، موتورم را روی زمین انداختند.» با گوشی سارق به کلانتری پاسداران رفته و وقتی آن‌ا بررسی کردند، متوجه شدند سرقتی است. دزدان هم نیم ساعت بعد از سرقت گوشی من در تجریش با شلیک گلوله دستگیر شدند.»

🔴 سرقت گوشی حاوی اطلاعات مهم

سومین شاکي نیز روایت دیگری از سرقت خود داشت و در دادگاه اظهار کرد: «در ترافیک بزرگراه مدرس به الهیه ایستاده بودیم، روی صندلی شاگرد نشسته و در حال کار روی گوشی‌ام بودم. متوجه موتورسیکلت لاکی سفیدرنگی شدم که خلاف جهت خودروها از کنار ماشین ما رد شد.» او ادامه داد: «۳ ثانیه بعد ضربه محکمی به بدنه خودرو خورد و وقتی خواستم دلبش را بررسی کنم ترک‌نشین موتور لاکی به صورتم اسبیری اشک‌آور زد و با برداشتن گوشی تلفن همراهم فرار کردند.» این شاکي گفت: «در گوشی‌ام اطلاعات مهمی داشتم که آن‌را همراه گوشی آیفونم از دست دادم. با گذشت یک سال از این ماجرا نتوانستم گوشی را دوباره بخرم و سارقان هم گوشی را پس ندادند.»

🔴 درخواست برائت متهم

در ادامه جلسه، رئیس دادگاه از وکیل تسخیری متهم خواست از موکلش دفاع کند. وکیل نیز با اشاره به اظهارات شکات‌گفت: «بر اساس صحبت‌های شکات، موکل من سارق اصلی نبوده و سرقت‌ها توسط متهم دیگر پرونده انجام شده است. از سوی دیگر شکات می‌گویند موکل من با فاصله از آنها ایستاده بود که در این صورت قابل شناسایی نبوده است. از سوی دیگر موکلم حامل سلاح نبوده است.» او درباره سایر شکات نیز گفت: «عدم حضور آنها دلیلی بر این موضوع است که قصد پیگیری پرونده را ندارند.» وکیل تسخیری متهم در پایان با این توضیحات، درخواست برائت موکل خود را از دادگاه مطرح کرد. پس از رسیدگی به این پرونده، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

سرقت بچه پولدار برای تفریح

را طراحی کرده است. او گفت: «من هم طبق نقشه وارد خانه شدم، طلاها را سرقت کردم و به او تحویل دادم.» با اعترافات این متهم، همدستش در شهریار دستگیر شد. ماموران در بازرسی از مخفیگاه متهم موفق به کشف طلاهای سرقتی شدند. با اعترافات هر دو متهم، آنها راهی زندان شدند و طلاهای سرقتی نیز به مال‌بخته بازگردانده شد.

🔴 سارق مرغه برای هیجان، باتری می‌دزدید

در سومین پرونده، مأموران کلانتری ۱۵۰ تهرانسر در جریان فعالیت یک باند سرقت باتری خودروهای سبک و سنگین در محدوده خود قرار گرفتند و تحقیقات برای شناسایی اعضای این باند را آغاز کردند. مأموران در جریان گشت‌زنی به یک دستگاه پژو ۲۰۷ که با دو سرنشین در یک پارکینگ حضور

داشت، مشکوک شدند. در بازرسی از خودرو، تعداد زیادی آچار، پیچ‌گوشتی و چند باتری خودرو کشف شد. هر دو متهم دستگیر شدند و در تحقیقات اولیه به سرقت اعتراف کردند. آنها همچنین مدعی شدند دو همدست دیگر دارند. مأموران کلانتری با یک قرار صوری، دو متهم دیگر را از اندیشه به تهران کشاندند و آنها را دستگیر کردند.

متهمان در جریان بازجویی به ده‌ها فقره سرقت باتری خودروهای سبک و سنگین اعتراف کرده و مأموران نیز تعدادی باتری سرقتی را از مخفیگاه آنها کشف کردند. در جریان تحقیقات، مأموران متوجه شدند یکی از اعضای این باند وضعیت مالی مناسبی دارد.

تحقیقات از او ادامه پیدا کرد و متهم مدعی شد تنها برای هیجان و جلب اعتماد سردسته باند و پذیرفته شدن به عنوان عضو گروه، دست به سرقت زده و هیچ نیاز مالی نداشته است. سردسته باند اعتیاد شدیدی به مواد مخدر داشت و خانواده‌اش نیز به دلیل رفتارهای او دچار مشکلاتی شده‌اند. تحقیقات برای بررسی سایر جرایم احتمالی از آنها ادامه دارد.



فردای بود که از آب نجات پیدا کرد اما نابرابر گزارش‌های اولیه، پس از نجات به دلیل عوارض ناشی از کمبود اکسیژن و ایست قلبی جان خود را از دست داد. آن طور که مادر آنیل می‌گوید، پدر آنیل پس از این حادثه بازداشت شده است.

آنیل می‌گوید: «من آنها را نجات دادم اما پدرم را دستگیر کردند و بردند. دلم خیلی برای پدرم تنگ شده است.»

قایق در محل حادثه می‌چرخید و به گفته آنیل از روی یکی از مسافران نیز رد شد. به گفته آنیل، پدرش به او آموزش داده بود که چطور قایق را کنترل کند و برای همین طبق آموزش قایق را خاموش کرد. اما این پایان ماجرا نبود و به گفته رسانه‌های محلی، یکی از مسافران این حادثه به نام سید جواد ساداتی لاجیمی، رئیس شعبه بانک سپه میدان جانبازان قائمشهر، از جمله

موارد در این حادثه دخیل باشد یعنی قایقران، شخصی که در قایق حرکت کرد و علت واژگونی قایق مربوط به علل و عواملی باشد که به آن اشاره کردم، مشمول ماده ۵۱۶ و ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی می‌شود که بحث تعدد اسباب مطرح است؛ یعنی سبب‌هایی که موجب واژگونی قایق شده. در هر صورت کارشناس مربوط وارد عرصه شده و پس از بررسی تمام موارد ضروری نظر نهایی خود را اعلام می‌کند.

داده و بگوید علت بروز سکنه قلبی چه بوده است. در هر صورت برمی‌گردیم به ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی که اگر قایقران مرتکب بی‌احتیاطی شده و نظامات دولتی را رعایت نکرده است، در این صورت این قتل غیرعمدی بوده و یک تا سه سال حبس دارد اما اگر همه مسائل از سوی قایقران رعایت شده، شخصی که موجب به هم خوردن تعادل قایق شده و قایقران نیز به او تذکر داده، مقصر این حادثه است. حال ممکن است جمع این

قتل شوهر با ادعای خیانت

زندگی مشترکمان دختری ۱۷ ساله است. دخترم چند هفته زودتر به دنیا آمد و همین باعث شد دچار معلولیت جسمی شود. همه زندگی‌ام را وقف نگهداری از او کردم. شوهرم سال‌ها در جنوب کشور کار می‌کرد و چند سالی بود که از کارش بیرون آمده و به عنوان راننده اینترنتی مشغول به کار شده بود. او تریاک و گل مصرف می‌کرد. متهم به قتل ادامه داد: من شرایط مالی خوبی نداشتم و به بتوانم از دخترم نگهداری کنم بنابراین نتوانستم از شوهرم جدا شوم. او کمک می‌زد. متوجه شدم با خانم‌ها رابطه دوستی دارد و به من خیانت می‌کند. نمی‌توانستم این رفتارها رایش را تحمل کنم و با هم دیگر بودیم. شامگاه پنجشنبه نوزدهم شهریور دوباره جروبحث مان شد و دو‌وا کردیم. شوهرم سرماخورده بود. از من قرض خواست. من هم حدود ۲۰۰ قرض به او دادم و فکر می‌کردم با آن بمیرد. وی افزود: ساعاتی گذشت اما قرض‌ها زیاد اثر نکرد که با گلدان ضربه‌هایی به سرش زدم. باز هم نمرده که این بار با چاقو رگ دستش را زدم. وقتی از مرگش مطمئن شدم صحنه‌سازی کردم تا مرگش را خودکشی نشان دهم.

محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف متهم، او در برابر اتهام مباشرت در قتل عمدی قرار دارد. همچنین برای بررسی سلامت روانی به پزشکی قانونی معرفی می‌شود.

کاردرستی ندارم و با مادر سالخورده‌ام زندگی می‌کنم. سال‌هاست از بیماری روحی و اعصاب رنج می‌برم و دارو مصرف می‌کنم. چند مرتبه هم در بیمارستان بستری شدم. مدتی بود مصرف دارو را خودسرانه ترک کرده و دیگر نزد پزشک نمی‌رفتم. وی افزود: صبح که از خواب بیدار شدم با مادرم دعوایم شد. او نگران حالم بود و مدام می‌گفت نزد پزشک بروم و در بیمارستان بستری شوم تا حالم بهتر شود اما من قبول نکردم و جرو بحث‌مان بالا گرفت. عصبانی شدم و نفهمیدم چه می‌کنم. با برداشتن چاقویی از آشپزخانه به مادرم حمله‌ور شدم و او را با ضربات متعدد چاقو زخمی کردم. وقتی به خودم آمدم، پشیمان شدم و به اورژانس زنگ زدم که بیایند و مادرم را نجات دهند اما او فوت کرده بود. محسن اختیاری بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف متهم به قتل مادرش او در بازداشت به سر می‌برد. برای بررسی سلامت روانی قرار شد متهم به پزشکی قانونی معرفی شود.



زن میانسال در جریان اختلاف‌های خانوادگی و پی بردن به خیانت‌های شوهرش، او را به قتل رساند اما با صحنه‌سازی می‌خواست مرگ او را خودکشی جا بزند که او رفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۲ ظهر جمعه بیستم شهریور امسال یکی از مأموران کلانتری تهرانپارس در تماس تلفنی با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان قتل مردی ۴۷ ساله قرار داد. با دستور بازپرس جنایی تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به محل جنایت رفتند. پیکر مرد میانسال در یکی از اتاق‌ها در حالی افتاده بود که گلدانی شکسته و چاقویی

خون‌آلود کنارش افتاده بود. سرش شکسته و رگ دستانش بریده شده بود. همسر میانسال این مرد مدعی بود شوهرش خودکشی کرده و با دیدن این صحنه به اورژانس زنگ زده است اما شواهد نشان از جنایت داشت. مأموران در تحقیق از همسایه‌ها پی بردند، شب قبل هم دوباره صدای فریاد و دعای آن دو را شنیده بودند. بازپرس جنایی دستور بازداشت همسر مقتول را صادر کرد. او به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد اما در تحقیقات مدعی بود شوهرش با گلدان به سر خودش زده و بعد

با چاقو رگ دستانش را بریده است. ۴۷ زن ۱۰ ساله سرانجام ظهر شنبه بیست و یکم شهریور ماه به قتل شوهرش اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: ۲۰ سال قبل با شوهرم ازدواج کردم و ثمره

مرد ۴۰ ساله که مشکلات روحی داشت وقتی نمی‌خواست تحت درمان پزشک قرار گیرد و دارو مصرف کند با مادر سالخورده‌اش درگیر شد و او را به ۵۰ ضربه چاقو به قتل رساند. به‌گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۷ صبح شنبه ۲۱ شهریور یکی از مأموران کلانتری بی‌سیم به‌بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد مردی مادرش را به قتل رسانده است. با دستور قضایی تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به خانه مورد نظر در جنوب شرق تهران اعزام و با جسد زنی ۸۰ ساله در اتاق نشیمن روبه‌رو شدند که بر اثر اصابت ۵۰ ضربه چاقو به قتل رسیده بود. مأموران به تحقیق از همسایه‌ها پرداختند که معلوم شد هنگام صبح صدای مشاجره آن دو را شنیده‌اند و بعد صدای زن سالخورده خاموش شده. بعد متوجه حضور مأموران اورژانس در ساختمان شدند معلوم می‌شود آنها وارد خانه زن و پسرش شده و فهمیده‌اند زن مرده است. متهم برای تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران انتقال یافت و در تشریح ماجرا گفت: کسب و

جام‌جم

حوادث

یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۵ ■ شماره ۲۴۱۵

🔴 تنگر

تصادف مرگبار ماشین عروسی



عروس ۳۰ ساله در تصادف ماشین عروس با نیوجرسی جان باخت. تازه داماد هم در بیمارستان بستری است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۹ شنبه بیست‌ویکم شهریور امسال یکی از مأموران کلانتری یافت‌آباد به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد نو عروسی ۳۰ ساله که بر اثر حادثه تصادف مصدوم و از شب قبل در بیمارستان بستری بوده، فوت کرده است. با دستور قضایی، تحقیقات پلیس جنایی در این باره آغاز و معلوم شد این زوج جوان شامگاه جمعه بیستم شهریور جشن عروسی‌شان بوده است. بعد از پایان مراسم راهی خانه‌شان بودند و اقوام و خانواده‌های‌شان نیز آنها را تا رساندن به خانه‌شان همراهی می‌کردند. ساعت ۴۸ دقیقه بامداد شنبه در مسیر غرب به شرق بزرگراه آزادگان، بعد از پل اتوبان ساوه یکدفعه ماشین عروس پس از انحراف از مسیر خود با شدت به نیوجرسی بتنی میانه بزرگراه برخورد کرد و واژگون شد. داماد ۳۶ ساله و عروس ۳۰ ساله به دلیل استفاده نکردن از کمربند ایمنی مصدوم شدند.

محمدجواد شفیعی، بازپرس شعبه پنجم بازپرسی دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: با حضور نیروهای امدادی اورژانس به محل، این زوج به بیمارستان منتقل شدند اما نو عروس ساعت ۹ صبح شنبه (دیروز) به دلیل شدت صدمات فوت کرد. اما داماد همچنان در بیمارستان بستری است. تحقیقات درباره علت اصلی این حادثه از سوی پلیس راهور تهران ادامه دارد.

بخشی عروسی قاتل بعد از ۷ سال

عروس جوان که هفت سال به اتهام قتل شوهرش زیر حکم قصاص بود، سرانجام توانست رضایت بگیرد و از مجازات مرگ رها شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده اوایل آذر سال ۱۳۹۸ زمانی در دستور کار پلیس یکی از شهرهای استان اصفهان قرار گرفت که زنی به پلیس زنگ زد و گفت شوهرش را در حادثه اتفاقی با چاقو به قتل رسانده و قصد خودکشی دارد. بعد از آن مأموران به محل حادثه رفتند اما زن در را باز نکرد. مأموران قفل در خانه را شکستند و وارد شدند. آنها جسد مرد جوان و پیکر نیمه‌جان همسرش که قرض خورده و در یک قدمی مرگ بود را یافتند. این زن ۲۵ ساله به بیمارستان منتقل شد و با تلاش پزشکان زنده ماند. او بعد از بازداشت و در ادامه تحقیقات اعتراف کرد که یک‌سال و نیم قبل ازدواج کرده اما با شوهرش دچار اختلاف شده بودند؛ شوهرش و لخرج بود. به خوشگذرانی با دوستانش می‌پرداخت و توجهی به او و زندگی‌شان نداشت.

آن شب نیز بر سر همین اختلاف‌ها درگیر شدند، او عصبانی شد و ناگهان با برداشتن چاقوی آشپزخانه به قلب شوهرش ضربه زد اما بعد پشیمان شد و دست به خودکشی زد ولی خودش زنده ماند و شوهرش فوت کرد. متهم زن بعد از بازسازی صحنه قتل، روانه زندان شد. مدتی بعد پرونده‌وی با صدور جلب به دادرسی به دادگاه استان اصفهان ارسال شد. متهم زن در دادگاه محاکمه شد. والدین مقتول برای عروس خانواده درخواست قصاص کردند. قضات دادگاه بعد از پایان جلسه دادگاه، این حکم قصاص برای این عروس جوان صادر کردند. این رای در دیوان عالی کشور تأیید و به اجرای احکام ارسال شد. او هفت سال زیر حکم قصاص بود و واحد صلح و سازش و مددکاران زندان، تلاش زیادی برای جلب رضایت انجام دادند اما والدین مقتول همچنان خواستار قصاص عروس خود بودند. از سوی دیگر زندانی محکوم به قصاص در این سال‌ها در زندان به افراد نیازمند کمک می‌کرد. مقداری از ازشبه پدري خود را فروخت و برای ترک اعتیاد تعدادی از معاندان هزینه کرد و همچنین هزینه زندگی تعدادی از خانواده‌های‌شان را فراهم کرد.

مددکاران اقدامات او را برای خانواده مقتول بازگو کردند و آنها نیز وقتی متوجه شدند واقعا این زن پشیمان از جنایت خود در این سال‌ها بوده و کارهای خیرخواهانه مرتکب شده، چند روز پیش و در آخرین جلسه صلح و سازش، سرانجام رضایت دادند. بدین ترتیب عروس قاتل بخشیده و از قصاص رها شد.